

## فصل

# مفاهیم خلاقیت و ویژگی‌ها



### ❖ اهداف آموزشی

- ❖ آشنایی با تعاریف و مفاهیم خلاقیت
- ❖ انواع تفکر و خلاقیت
- ❖ فرایند خلاقیت و مراحل آن از دیدگاه‌های مختلف
- ❖ خصوصیات فرد خلاق و موانع فردی خلاقیت
- ❖ تکنیک‌های خلاقیت (گروهی و فردی یا هر دو)

---

## □ مقدمه

زندگی امروز سراسر پیچیدگی و چالش‌های مبتنی بر تعاملات افراد جامعه است. تغییرات و تحولات حیات بشر در چندین دهه اخیر و روند تکاملی آن، این تعاملات را از سطح بومی به سطح جهانی گسترش داده است. در این دنیای پر رقابت، تنها انسان‌های توانا، خلاق و ارتباط‌گر که انگیزه قوی و شوق سرشار زندگی دارند، موفق می‌شوند. در زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که انسان باید در محیط تغییر یافته و دارای حرکت رو به جلو، خلاق باشد. افکار نو را در جهت راهکارهای جدید و حل مشکلات به کار گیرد و ارتباطات متفاوت برقرار کند و برای بیان احساسات و عواطف زبانی مشترک و نو بیابد. خلاقیت حاصل نیروهای ذهنی فردی است که از سلامت روان و تحمل برخوردار باشد؛ خلاقیت ویژگی ذهنی است که تحت تأثیر محیط محرک و غنی به سرعت رشد می‌یابد.

---

## □ تعریف خلاقیت

هر یک از صاحبان نظر جنبه خاصی از خلاقیت را مدنظر قرار دادند و بر اساس آن تعریف خود را ارائه کردند. نظریه پردازان خلاقیت را دانش بنیادی برای هر گونه تغییر و نوآوری می‌دانند (فصل‌نامه رهبری و مدیریت آموزشی، سال سوم، شماره دوم، تابستان ۸۸).

### نظریه‌های مختلف در تبیین خلاقیت:

به تعبیر ریهامر<sup>۱</sup> و بورلین<sup>۲</sup> (۱۹۹۹) خلق ایده‌های نو و تولیدات ابتکاری از ویژگی‌های انسان شناختی است. با چنین نگاهی، خلاقیت عامل مهمی در سرعت بخشیدن به

---

1. Ryhammer

2. Borlin



نوآوری‌های علمی و فناورانه بشر تعبیر شده است. میزان بهره‌گیری از ذهن‌ها و شخصیت‌های خلاق یکی از چالش‌های جدی و قابل پیش‌بینی بشر در آینده است. آمابیلی<sup>۱</sup> (۱۹۸۷) معتقد است که خلاقیت پدیده‌ای اجتماعی است و از نیازها و مقتضیات جامعه و شرایط خانوادگی برمی‌خیزد.

هرینگتون<sup>۲</sup> (۱۹۹۰) و تورنس<sup>۳</sup> (۱۹۷۴) معتقد هستند که خلاقیت یک ویژگی شخصی است؛ یعنی عواملی نظیر انگیزش، هیجان، عواطف، احساسات و تجربه‌ها و یادگیری‌های شخصی در آن نقش مهمی دارند.

استرنبرگ<sup>۴</sup> (۱۹۹۳) و مایهالی<sup>۵</sup> (۱۹۹۶) معتقدند که خلاقیت پدیده‌ای چندمتغیری است؛ یعنی عواملی نظیر جامعه، خانواده و شخصیت و توانایی‌های شناختی همزمان بر آن تأثیر می‌گذارند.

استین<sup>۶</sup> خلاقیت را بر مبنای دو عامل چنین تعریف می‌کند:

خلاقیت فرایندی است که نتیجه آن کار تازه‌ای باشد که توسط گروهی در یک زمان به عنوان چیزی مفید و رضایت‌بخش مقبول واقع شود (منظور از دو عامل تازگی و ارزش است).

ورنون<sup>۷</sup> (۱۹۸۹) نیز از همین چشم‌انداز به خلاقیت می‌نگرد. او خلاقیت را توانایی شخص در ایجاد ایده‌ها، نظریه‌ها، بینش‌ها یا اشیای جدید و نو و بازسازی مجدد در علوم و سایر زمینه‌ها می‌داند که به وسیله متخصصان به عنوان پدیده‌ای ابتکاری و از لحاظ علمی، زیباشناسی، فناوری و اجتماعی با ارزش دانسته می‌شود. (حسینی، ۱۳۹۴)

مایر<sup>۸</sup> (۱۹۸۳) و وایزبرگ<sup>۹</sup> (۱۹۸۶ و ۱۹۹۵) تعریف ساده و روشنی از خلاقیت ارائه دادند:

1. Amabile
2. Herrington
3. Torrance
4. Sternberg
5. Mihaly
6. Stein
7. Vernon
8. Mayer
9. Weisberg



- خلاقیت توانایی حل مسائلی است که فرد قبلاً آنها را نیاموخته. به عبارت دیگر زمانی که فرد راه حل تازه‌ای را برای مسأله‌ای که با آن مواجه شده است به کار برد، خلاقیت شکل می‌گیرد. بر این اساس ممکن است پاسخ مسأله‌ای برای فردی خلاقانه و برای دیگری غیرخلاقانه تلقی گردد.

مطالب بیان شده کمتر به بعد اجتماعی خلاقیت توجه دارد حال آنکه به خلاقیت نمی‌توان با تمرکز بر یک بعد نگریست. چرا که خلاقیت مجموعه عوامل فردی و فرایند و محصول است که در یک محیط اجتماعی با یکدیگر در رابطه هستند. در فصول بعدی این موضوع مورد بررسی و بحث قرار می‌گیرد.

گیلفورد<sup>۱</sup> (۱۹۵۰) معتقد است که خلاقیت بعدی فراشناختی دارد و با فرایندهای عالی ذهنی نظیر تفکر، هوش، تخیل و پردازش اطلاعات مرتبط است.

شاید به جرأت بتوان گفت که جامع‌ترین تعریف خلاقیت را گیلفورد دانشمند امریکایی عرضه کرده است. با صرف نظر از بیان جزئیات نظریه الگوی ساختار ذهن که وی با تأکید بر اینکه یکی از جنبه‌های اصلی تفکر یا اندیشیدن خلاقیت است، او توانست تعریف و تعبیر جدیدی از خلاقیت را ارائه کند.

او خلاقیت را نتیجه تفکر واگرا می‌داند. قبل از توضیح، لازم است به مفاهیم تفکر خلاق و انواع تفکر بپردازیم.

## □ تفکر خلاق<sup>۲</sup>

مهارتی است که شخص از تلفیق مهارت‌های حل مسأله و تصمیم‌گیری از افکار یا روابط میان فردی برخوردار می‌شود و قدرت کشف و انتخاب راه‌حل‌های جدید را پیدا می‌کند (گف<sup>۳</sup>، ۱۹۷۰).

1. Guilford

۲- برگرفته از کتاب: روش‌های پرورش خلاقیت در نظام آموزش. دکتر سیدمحمد میرکمالی و دکتر عباس خورشیدی، ص ۲۱-۲۲-۲۳.

3. Goff



تفکر خلاق از پیچیده‌ترین و عالی‌ترین جلوه‌های اندیشه انسان است؛ در حقیقت، تفکر خلاق همان تفکر ابتکاری و مناسب است.

باید توجه داشت که تفکر خلاق، نوعی تفکر است که بتواند از یک چیز عادی، محصولی جدید به وجود آورد. کسی که تفکر خلاق دارد، الزاماً فردی استثنایی یا باهوش به معنی خاص آن نیست، بلکه کسی است که با کار زیاد و تمرکز فراوان و سخت‌کوشی روی یک مسأله به نتایج جدیدی می‌رسد. به سخن دیگر، کسی که تفکر خلاق دارد می‌تواند ذهن خود را در یک چیز متمرکز کند و آن‌قدر به آن انرژی بدهد تا واقعیت امر در ذهن او کاملاً روشن و در نهایت مسأله حل شود (گاوپن، ترجمه خوشدل، ۱۳۶۹). به همین دلیل مارزینو و همکاران به پنج شرط برای تفکر خلاق اشاره می‌کنند:

۱- خلاقیت در تلفیق با میل و آمادگی زیاد رخ می‌دهد. این عبارت به معنی آن است که تفکر خلاق با انگیزه قوی، درگیر شدن در یک مسأله، کار سخت و عزم راسخ انجام می‌گیرد.

۲- خلاقیت مستلزم فعالیت در کنار قابلیت شخص است. صرفاً تکیه بر هوش و قابلیت‌های فرد در موضوع تفکر خلاق، امر نادرستی است. هسته مرکزی تفکر خلاق فعالیت‌ها و کوشش‌های مداوم فرد است و نه صرفاً هوش او. ادیسون برای پیدا کردن رشته بادوام در لامپ روشنایی خود دهها و شاید صدها ماده و گیاه را مورد آزمایش قرار داد.

۳- لازمه خلاقیت بیشتر موضوع ارزشیابی درونی است تا بیرونی. خلاقیت حاصل انگیزشی درونی است تا بیرونی. افراد خلاق صرفاً به خاطر پاداش‌های بیرونی دست به مخاطره نمی‌زنند، بلکه ارزش‌ها، علایق و انگیزه‌های درونی سبب تحرک آنها می‌شود. این افراد با وجود مخالفت یا تعجب افراد دیگر دست به کار می‌زنند و از مقاومت دیگران تردید به خود راه نمی‌دهند. به همین دلیل، گفته می‌شود که به جای ایجاد محرک‌های بیرونی، بهتر است به شاگردان خود یاد دهیم که به اصل موضوع علاقه‌مند شوند و آن را برای خود یک ارزش درونی سازند.

۴- خلاقیت شامل تنظیم دوباره اندیشه‌هاست؛ یعنی بر هم زدن طرح‌واره‌ها یا الگوهایی که قبلاً مرجع یادگیری ما بوده‌اند، به شکلی که راه جدید و برون‌رفتی را از چارچوب‌های قبلی برای ما پدید آورند.



۵- دوری از مشغله و درگیری‌های مستمر و یکنواخت؛ بسیاری از افراد خلاق خود را در حالات و موقعیت‌های جدیدی قرار می‌دهند و از قفل کردن یا تثبیت روی یک موضوع برای مدت طولانی می‌پرهیزند.

### □ مراحل تفکر خلاق

- ۱- آمادگی: فرد به امور و پدیده‌های مختلف زندگی دقت و توجه بیشتری پیدا می‌کند.
- ۲- مطالعه: با بررسی و مطالعه بیشتر روابط بین پدیده‌ها را بهتر درک می‌کند.
- ۳- تغییر: به نوع روابط فیما بین پدیده‌ها پی می‌برد و با طرح سؤال‌های مختلف در ذهن به نقد و بررسی آن می‌پردازد.
- ۴- پختگی: به درک و شناخت عمیق‌تری از روابط بین پدیده‌ها می‌رسد.
- ۵- اشراق: به پاسخ‌های ناگهانی دست می‌یابد.
- ۶- واریسی: به بررسی بهترین ایده‌ای که در مراحل قبلی به آن رسیده است می‌پردازد تا درستی و و نادرستی آن را مشخص کند.
- ۷- اجرا: ایده مورد تأیید را به اجرا درمی‌آورد.

### □ انواع تفکر<sup>۱</sup>

نکته اصلی که ما را به تعریف دقیق‌تر خلاقیت هدایت می‌کند، تقسیم‌بندی انواع تفکر به دو دسته تفکر واگرا و همگراست.

### □ تفکر واگرا

عبارت است از فرایند بازآرایی و دوباره‌سازی اطلاعات، نوآرایی نمادهای کسب شده موجود در حافظه درازمدت که به راه حل‌های مختلفی برای یک مسأله توجه دارد.

۱- در رابطه با ابعاد و انواع تفکر نظریات مختلفی وجود دارد. گیلفورد و تنوپر (Guilford & Tenoper) (۱۹۸۹) انواع تفکر را به سه دسته: الف) تفکر منطقی، ب) تفکر انتقادی و ج) تفکر خلاق تقسیم کردند. گیلفورد تفکرهای همگرا و واگرا را از هم متمایز می‌سازد و تفکر واگرا را معادل تفکر خلاق می‌داند. (میرکمالی و خورشیدی، ۱۳۸۷)



### □ تفکر همگرا

عبارت است از فرایند ترکیب یا نوآوری اطلاعات و نمادهای کسب‌شده موجود در حافظه درازمدت برای به دست آوردن یک راه حل مناسب. می‌توان گفت تفکر همگرا، یعنی انتخاب مناسب‌ترین راه حل که مبتنی بر کاربرد دانش و قوانین منطقی برای کاستن از تعداد راه‌حل‌های ممکن و تمرکز بر مناسب‌ترین راه حل است. برای مثال، تست‌های هوش و ریاضی اکثراً بر پایه تفکر همگرا استوار هستند. از میان راه‌حل‌های گوناگون برای حل مسأله ریاضی، همواره بهترین راه انتخاب می‌شود و نتیجه به دست می‌آید. در تفکر همگرا، استدلال و تفکر منطقی است که به دنبال یک جواب می‌گردد.

در تفکر واگرا، راه‌حل‌های گوناگون بررسی و ابداع راه‌حل‌های جدید امکان‌پذیر می‌شود. به عقیده گیلفورد و دوبونو چهار عنصر در تفکر واگرا دخالت دارند:

۱- انعطاف‌پذیری؛

۲- اصالت اندیشه (ابتکار اندیشه)؛

۳- سیالی اندیشه؛

۴- بسط

### ■ انعطاف‌پذیری

به نوعی به آزمون استفاده‌های غیرمعمول نیز اطلاق می‌شود؛ یعنی تفکر تابع چارچوب و قراردادهای از پیش تعیین شده قرار نگیرد. همیشه راه‌حل‌های گذشته مناسب‌ترین راه‌حل نیستند. انعطاف‌پذیری توانایی برقرار کردن رابطه معنی‌دار بین فکر و اندیشه و بیان است (حسینی، ۱۳۹۴) و به همین دلیل افراد را قادر می‌سازد که راه‌حل‌های متعددی ارائه دهند.

### □ آزمون کلمه آجر

برای بررسی انعطاف‌پذیری یکی از آزمایش‌های انجام شده در کلاس درس دانش‌آموزان، آزمون کلمه آجر است. به دانش‌آموزان کلمه آجر را می‌دهند و از آنان می‌خواهند که تمام موارد استفاده از آجر را در مدت ۸ دقیقه پاسخ دهند.

پاسخ دانش‌آموزان این گونه بوده است:

۱- ساختن خانه ۲- ساختن مدرسه ۳- ساختن کلیسا ۴- ساختن اتاق



و همه به ساختن اشاره داشتند که نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری کمتری در این پاسخ‌هاست. اما برخی دانش‌آموزان این گونه پاسخ دادند:

- ۱- کوفتن به میخ ۲- گذاشتن جلوی در ۳- درست کردن قفسه کتاب و ...
- این پاسخ‌ها انعطاف‌پذیری بیشتری نسبت به پاسخ‌های قبلی داشتند.

#### ■ اصالت اندیشه

از این اصطلاح در بعضی از متون به عنوان ابتکار اندیشه نیز اشاره شده است؛ یعنی آن ویژگی از تفکر که هدف و مقصد نهایی را در نظر دارد و به شیوه‌های غیر متداول منظور اصلی را در لایه‌های پنهان تفکر دریافت می‌کند. آزمون‌های مربوط به این مقوله به صورتی است که داستانی کوتاه به آزمودنی داده می‌شود و از او می‌خواهند که عنوان یا عنوان‌هایی برای داستان در نظر بگیرد.

مثال یکی از داستان‌ها چنین بود که یک مبلغ مذهبی در میان آدمخوارها گرفتار می‌شود. شاهزاده خانم قبیله به وی پیشنهاد می‌دهد که با او ازدواج کند. شرط شاهزاده خانم این بود که اگر با او ازدواج کند آزاد می‌شود و در غیر این صورت، زنده زنده پخته می‌شود. عناوینی که برای این داستان پیشنهاد شد:

- ۱) شاهزاده خانم و مبلغ مذهبی
  - ۲) خورده شدن به وسیله وحشی‌ها
- اما در گروه دیگر پاسخ‌ها بدین صورت بود:
- ۱- داستان دیگ و شام خوشمزه
  - ۲- جفتی بدتر از مرگ
  - ۳- جایزه داغ برای آزادی
- که گروه دوم ابتکار اندیشه را بیشتر نمایان کرده است.

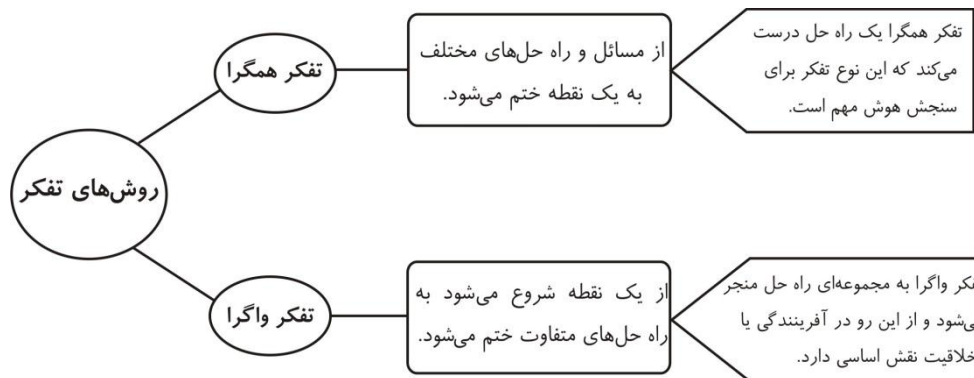
#### ■ سیالی اندیشه

یعنی تعداد و نوع پاسخ‌های مختلفی که آزمودنی به یک سؤال می‌دهد. کیفیت و نوع پاسخ‌های داده شده ملاک هستند. تعداد جواب‌ها در اکثر مواقع باعث افزایش احتمال واگرا بودن تفکر می‌شود.



### ■ بسط

منظور از بسط در نظر داشتن تمام ویژگی‌های جزئی در حین انجام یک فعالیت است و اینکه همهٔ موارد جزئی در یک طرح در نظر گرفته شود. فردی که دارای تفکر واگراست سعی می‌کند عناصر و اجزای نامربوط را به هم متصل کند. توضیحات فوق مبنی بر تفاوت دو نوع تفکر واگرا و همگراست و نتیجه حاصل اینکه: راه‌حل‌های نو و بدیع و از طرفی کارآمد، با توجه به آنچه در تعریف خلاقیت عنوان شد، نتیجه طرز فکر واگرایی است.



روش‌های تفکر (وب سایت مدیریت - دکتر احمد ورزشکار)

## □ مراحل فرایند خلاقیت

### □ فرایند حل مسأله

**مقدمه:** عده‌ای از دانشمندان و صاحب‌نظران فرایند خلاقیت را مانند فرایندهای حل مسأله می‌دانند.

### ■ مرحله اول: ارائه مسأله

یعنی زمانی که به دنبال موضوع تازه و بدیع هستیم و موضوعی متفاوت و در عین حال واضح و مشخص ارائه می‌شود. منظور از ارائه مسأله یا تعریف مسأله این است که بدانیم در



جست‌وجوی چه هستیم. ممکن است با مسأله‌ای کلی آغاز شود و به مسائل فرعی پایان یابد. مسائل گاهی برای فرد ایجاد می‌شود و گاهی او مسائل را به وجود می‌آورد. ارائه مسأله مانند طرح یک سؤال مشخص و هدفمند است.

### ■ مرحله دوم: آماده کردن

آماده کردن یعنی تمام اطلاعات و آگاهی‌ها را جمع‌آوری کرده، سپس دسته‌بندی می‌کنیم. نکته‌ای که در مورد جمع‌آوری داده‌ها باید مورد توجه قرار گیرد این است که جمع‌آوری اطلاعات در حجم زیاد و با شیوه نامناسب باعث عدم رشد خلاقیت می‌شود. به گفته جان لیتکس<sup>۱</sup> متخصص علوم تربیتی امریکا: «اطلاعات ممکن است قدرت تصور را خفه کند.» به همین دلیل است که روش صحیح جمع‌آوری باید مورد توجه قرار گیرد. داده‌های جمع‌آوری شده احتیاج به پالایش و طبقه‌بندی اساسی دارند. مطالب بیهوده و اندیشه‌های نامناسب دور ریخته شود.

### ■ مرحله سوم: تجزیه و تحلیل

فرد در این مرحله، در عمق اطلاعات دریافتی به کنکاش و جست‌وجو می‌پردازد و مطابق با مسأله و هدفی که طرح آن دارد، از اطلاعات استفاده می‌کند. بخشی از این تلاش به صورت ناآگاهانه و بخشی به صورت آگاهانه صورت می‌گیرد؛ یعنی ذهن ناخودآگاه به پردازش می‌پردازد که به آن دوره کمون (والاس<sup>۲</sup> ۱۹۲۶) نیز گفته می‌شود. گاهی اوقات به این مرحله، مرحله نهفتگی نیز اطلاق می‌شود؛ یعنی رها کردن مسأله برای مدتی که برای رسیدن به ایده‌ها و جنبه‌های جدید مؤثر است. مانند اینکه هنگام تهیه غذای جدید مدتی بگذاریم غذا جا بیفتد که در بعضی مواقع طعم و مزه بهتری خواهد داشت.

### ■ مرحله چهارم: ایده‌یابی

در این مرحله، فرد که از مرحله اول تا سوم به فرایندهای جمع‌آوری و پردازش پرداخته، اکنون شروع به تولید ایده‌هایی خلاقانه می‌کند که شامل این مراحل است:

۱- ایجاد ایده‌ها؛

۲- پروراندن ایده‌ها.

1. John latex

2. Wallace



ممکن است فردی که هدفش تهیه گزارش است، در این مرحله، ایده‌های اولیه خود را برای تهیه گزارش به دلیل مناسب نبودن و ناکافی بودن کنار بگذارد و به دنبال ایده جدیدی باشد که رضایت او را تأمین کند.

بسیار اتفاق می‌افتد که فرد بین مرحله سوم و چهارم در رفت و برگشت باشد. برای مثال، در تهیه غذای جدید بعد از چشیدن غذا به این نتیجه برسیم که چاشنی جدیدی را باید مخلوط کنیم و آن را بیازماییم.

### ■ مرحله پنجم: راه‌حلیابی

یعنی یافتن بهترین ایده و سپس گزینش بهترین راه‌حل و پیاده‌سازی آن.

### ■ مرحله ششم: ارزیابی نتایج

آخرین مرحله، ارزیابی نتایج است که پس از پیاده‌سازی ایده‌هایی که در مرحله پنجم گزینش شد صورت می‌گیرد و با استفاده از تجربیات عملی ایده‌ها متکامل‌تر و عملی‌تر می‌شوند.

(در مراحل ذکر شده) از مرحله اول تا سوم، فرد با استفاده از نیروی تعقل به جمع‌آوری اطلاعات و بازپروری آنها می‌پردازد. در مرحله چهارم که اوج تعامل قوه تخیل و تفکر است و باید آن را هنگام بروز جوانه‌های خلاقیت در ذهن آدمی دانست، با استفاده از قدرت تصور و خیال‌پردازی و با کمک داده‌های پردازش قبلی موفق به آفرینش ایده‌های درخشان می‌شود و در مرحله پنجم و ششم به کمک قوه داوری و قضاوت که خود از شئون تفکر است، بهترین راه و ایده یا شیوه را برمی‌گزیند.

افراد خلاق، تقریباً از هوش نسبی برخوردار هستند اما لزوماً همه آنها دارای هوش بالا نیستند. برای اینکه فرد خلاق باشد ضرورتاً نباید نابغه باشد. افراد خلاق تازگی و بدیع بودن را ترجیح می‌دهند و پیچیدگی مسائل آنان را به خود جلب می‌کند. افراد خلاق در یکی کردن تفکر کلامی و تفکر بصری و تفکر منطقی و تخیلی سرآمدتر از افراد غیرخلاق هستند. افراد خلاق بیشتر به وسیله علایق درونی خود به انجام کارهای خلاق برانگیخته می‌شوند تا عوامل بیرونی نظیر شهرت، پول یا تأیید دیگران؛ حتی گاهی دلایل بیرونی سبب می‌شود که شخص انگیزه درونی خود را از دست بدهد.